از حدود اسفند ماه سال 98 بود که با شدت گرفتن ماجرای کرونا ، بحث آموزش برای تمام مقاطع تحصیلی هم دچار چالش جدی شد. و اكنون با گذشت يك سال آنچه مسلم است این است که تنها راه پیگیری آموزش و پرورش در تمام مقاطع، تنها آموزش به صورت مجازی و غیر حضوری است. اگر چه .حتی درمورد حضوری یا مجازی بودنِ آموزش هم هنوز اختلاف نظرهای بسیاری بین متخصصان هست. در واقع در این حوزه اختلاف نظر و چالش کم نداریم. فارغ از مشکلات فنی اپلیکیشن شاد و یا بلاتکلیفی دانش آموزان و کنکوری ها از حضوری شدن آموزش و ارزيابي و حتی کیفیت و اعتبار حقيقي و مدارک علمیِ و مدارج تحصیلی، آيا براي 5/3 میلیون دانش آموز محروم از تحصیل كه به علت دسترسی نداشتن به ساده ترین ابزار های ارتباطی یا حتی تلویزیون از آموزش بازمانده اند و طبيعتا با اين سيستم ، در آينده نمي توانند در جايگاه هاي آموزشي برتر قرار بگيرند، تدبيري اتخاذ شده است؟ در حالي كه در همين شرايط،شاهد دسترس فرزندان قشري ازجامعه- با امكانات بيشتر و وضعيت مالي بالاتر- به بهترين مراكز آموزشي كشور هستيم و اين بازتوليد اجتماعي همچنان به روند خود ادامه مي دهد...

اين نكته نشان مي دهد كه برخی از مسائل همچون عدالت آموزشی ، تربیت و پرورش دانش آموزان در کنار تعلیم و آموزش، و تعارضات ايجاد شده ما بين نقش والدین و دبيران و مدارس در اين حوزه، كه همواره در آموزش و پرورش كشور ما مطرح بوده در حال حاضر جدی تر شده است.

اختلاف نظر بین متخصصین و متولیان هم بیش از پیش شده است. تا جایی که عده ای با مطالعات تطبیقی بر روی تجربیات سایر کشور ها، موافق جدی آموزش حضوری، و عده اي هم با نظر به ظرفیت های تکنولوژی و ابزارهای آموزشی مجازی از مخالفین جدی آموزش حضوری حی پس از اتمام شیوع ویروس کرونا هستند. از روزهای ابتدايي تعطیلات کرونایی در اسفند ماه تا كنون دچار هرج و مرج و حتی توقف آموزش ها بوده ايم که این، طبق معمول حکایت از فرسودگی نظام آموزش و پرورش ما دارد و به نظر می رسد سهم اصلی در تاخیر اصلاح نظام فعلي، به تصمیم گیری ها در این حوزه اختصاص داشته و ناشی از شکاف دیرینة بین متولیان و متخصصان علوم تربیتی و آموزشي است. در شرايطي كه رويكردهاي آموزشي جهان با وجود كرونا وارد مسيري تازه شده و مشكلات آموزش مجازي در ايران همچنان ادامه دارد، تنها در صورتي این شکاف ها مرتفع مي شود كه از تدابیر متخصصان حوزة علوم تربيتي و آموزشي بهره بگیریم. جريان دانشجويي نيز بر اين نكته كه مشکلات کشور راه حل داخلی دارند تاكيد داشته و این راه حل ها را همان کلید هایی مي داند که همواره مورد اشارة اساتید و متخصصان برجسته كشور بوده است. اگر اين نگاه اتكا به داخل در مسئولان امر تربيت و آموزش نيز به واقع وجود داشته باشد، شايد در بسياري از موارد، به استفاده از اپلیکیشن های خارجی نيازي نباشد و بتوانيم با اتکا به متخصصین داخلی از اپ هایی نظیر مَدرس يا طرح هایی مانند طرح اهدای تبلت برای دانش آموزان بی بضاعت و یا انارستان (سیم کارت ویژه کودکان و نوجوانان با دسترسی به اینترنت امن و پرسرعت)، اپلیکیشن های كارآمد داخلی، به کارگیری بسته های آموزشي به شیوه تدریس معکوس، آموزش تلویزیونی و....بسياري از مشكلات را حل كرد. اما با وجود اجرايي شدن بخشي از اين اقدامات، بسياري از چالش هایی که در نخستين روزهاي آغاز آموزش مجازی با آن مواجه بودیم، همچنان باقی است و متاسفانه بعضا گذر زمان، باعث عادي انگاري و غفلت مسئولين شده است. و همچنان در مقابل مطالبة بهبود شرايط آموزشي كشور، با سکوت سنگین این افراد مواجهیم که البته دلیل این سکوت نيز برای بسیاری جای سوال و تأمل است...آیا مشکلات آموزش مجازی در کشور به کلی رفع گشته؟ یا تراکم و تنوع آن ، متوليان و متخصصان را متحیر و مبهوت نموده؟ آیا سکوت ، در زمانی که علنا با جدی ترین بحران ها در این حوزه مواجه هستیم، نشان از تحیر است یا غفلت و بی اهمیت انگاشتن اصل مسئله؟